



بررسی میزان تاثیر مهارت های اجتماعی بر پیشرفت هوش هیجانی معلولین جسمی حرکتی

پدیدآورنده (ها) : عامری، مهدی؛ خزائیان، سودابه

میان رشته ای :: نشریه مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی (موسسه آموزش عالی نگاره) :: پاییز ۱۴۰۲ - شماره ۶۲

صفحات : از ۱ تا ۱۰

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/2094112>

تاریخ دانلود : ۱۴۰۳/۰۲/۰۸

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



- تاثیر آموزش هوش معنوی بر مهارت های اجتماعی و سازگاری کودکان معلول جسمی - حرکتی
- بررسی تاثیر هوش هیجانی بر مهارت های اجتماعی و کاهش پرخاشگری با متغیر میانجی عزت نفس
- بررسی تاثیر برنامه درسی تلفیقی (محتوا محور و مهارت محور) بر میزان عزت نفس و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان کلاس های چندپایه شهرستان پیرانشهر
- بررسی میزان کارآیی آموزش مهارت های هوش هیجانی بر افزایش آن در نوجوانان
- بررسی تاثیر نمایش درمانی در افزایش مهارت های حرکتی و حافظه شنیداری کم توان ذهنی با هوش بهر ۷۰-۵۵ در دامنه سنی ۱۵-۱۰ سال
- بررسی تاثیر طرح و سرمایه اجتماعی بر توانمندسازی معلولین جسمی-حرکتی شهر جهرم
- بررسی میزان تاثیر نقش مهارت های اجتماعی بر سلامت روان دانش آموزان
- بررسی تاثیر ارزشیابی توصیفی بر مهارت های اجتماعی و پیشرفت تحصیلی در دانش آموزان ابتدایی شهرستان دماوند در سال تحصیلی ۱۴۰۲ - ۱۴۰۱
- بررسی تاثیر آموزش مهارت های اجتماعی بر پرخاشگری و ابراز وجود معلولین شهر کرمان
- بررسی رابطه هوش هیجانی و عزت نفس با مهارت های اجتماعی

فصلنامه مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی
Journal of Research in Psychology and Education

سال ششم، شماره ۶۲، پاییز ۱۴۰۲، صص ۱-۱۰
Vol 6, No 62, 2023, P 1-10

شماره شاپا (۲۴۷۶-۶۱۱۹) ISSN: (2476-6119)

بررسی میزان تأثیر مهارت‌های اجتماعی بر پیشرفت هوش هیجانی معلولین جسمی حرکتی

مهدی عامری^۱، سودابه خزائیان^۲

۱. دکترای جامعه‌شناسی هیئت علمی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد رشته مشاوره توانبخشی، دانشگاه پیام نور، سمنان، ایران

چکیده

مهارت‌های اجتماعی وسیله‌ای است برای برقراری ارتباط و همچنین برای اینکه یاد بگیرند، درخواست کمک کنند، نیازهایشان را از مسیر مناسب تامین کنند، با افراد دیگر تعامل داشته باشند، دوست شوند، ارتباطی سالم برقرار کنند، خود را در برابر خطرات حفظ کنند و قادر به تعامل همسو با جامعه باشند. در این مقاله تأثیر آموزش مهارت‌های اجتماعی بر هوش هیجانی معلولین جسمی - حرکتی شهر مشهد مورد پژوهش قرار گرفت. روش پژوهش با طرح پیش‌آزمون - پس‌آزمون با گروه کنترل نما بود. جامعه آماری شامل کلیه معلولین جسمی-حرکتی فیاض بخش مشهد بودند که از بین آنها پس از غربالگری اولیه تعداد ۳۰ نفر انتخاب شدند و با استفاده از روش تصادفی در دو گروه آزمایش و کنترل نما قرار گرفتند. جهت جمع‌آوری داده‌های پژوهش از پرسشنامه مهارت‌های اجتماعی ریجیو، پرسشنامه کیفیت زندگی سازمان بهداشت جهانی و پرسشنامه هوش هیجانی بار- آن استفاده گردید. یافته‌ها به این صورت بود که آموزش مهارت‌های اجتماعی باعث بالا رفتن و بهبود مهارت‌های اجتماعی و همچنین باعث افزایش هوش هیجانی معلولین جسمی - حرکتی شد ($P < 0/05$) ($P < 0/05$). در نهایت پس از نتایج، پیشنهاد می‌گردد آموزش مهارت‌های اجتماعی جهت بهزیستی روانی و اجتماعی و توان‌بخشی حرفه‌ای معلولین جسمی - حرکتی مورد توجه دست‌اندرکاران مربوطه قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی: مهارت‌های اجتماعی، هوش هیجانی، معلولین، جسمی - حرکتی



۱- مقدمه

در طبقه‌بندی بین‌المللی ناتوانی کارکردی و سلامت^۱ معلولیت به عنوان یک اصطلاح چتری برای آسیب‌ها، محدودیت‌های کارکردی و مشارکتی مطرح شده است. در نتیجه طبق تعریف نبود معلولیت و بر اساس یک الگوی زیستی، روانی و اجتماعی تعریف می‌شود. معلولیت حاصل اختلال یا ناتوانی است که از انجام یک یا چند نقش طبیعی که بر حسب بر سن، جنس و بقیه مولفه‌های اجتماعی و فرهنگی می‌باشد، جلوگیری می‌کند. معلولین بیشترین اقلیت غیرنژادی در سراسر دنیا هستند که در حدود ۱۰ درصد جمعیت دنیا می‌باشد.

معلولیت‌های جسمی قسمت بزرگی از معلولیت‌ها هستند که به دست‌های از ناتوان نسبت داده می‌شود. باعث می‌شود فرد توانایی نداشته باشد به مدت حداقل ۶ ماه از اندام خود و یا بخشی از آن به طور مؤثر استفاده نماید. در نتایج پژوهش‌های بسیاری، عنوان شد که افراد معلول با مشکلات و آسیب‌های زیاد در ارتباط بین فردی، محل تحصیلی- شغلی و حیطه هیجانی- رفتاری روبرو می‌شوند. ارتباط نزدیکی بین هوش هیجانی^۲ و مهارت‌های اجتماعی^۳ وجود دارد، در نتیجه مهارت‌های اجتماعی جزئی از ساختار کلی هوش هیجانی در نظر گرفته می‌شود؛ به گونه‌ای که اگر فرد دارای توانایی درک بهتر تغییرات خلقی دیگران را دارد، هیجان‌های خود و دیگران را به طور درستی می‌شناسد و کنترل می‌کند. همچنین از تبدیل ناگهانی هیجان به واکنش‌های منفی جلوگیری می‌کند. نارسایی در سایر مولفه‌های سلامت روانی- اجتماعی معلولین مثل مهارت اجتماعی و سطح کیفیت زندگی می‌تواند نتیجه هر گونه آسیب و عدم تحول بهینه هوش هیجانی متأثر از معلولیت، باشد. نتایج پژوهش‌های متعدد تاییدکننده نارسایی و عدم تحول بهینه هوش هیجانی معلولان می‌باشد. بین افراد معلول جسمی و عادی (دختر و پسر) از نظر سطح تحول بهینه هوش هیجانی تفاوت معنی‌داری وجود دارد. در تحقیقات Maziak و همکاران متوجه شدند که افراد دارای معلولیت جسمی- حرکتی بنابر نارسایی هوش هیجانی، ارتباط صمیمی کمتر و احساس تنهایی بیشتری را تجربه می‌کنند. آنها نسبت به افراد عادی میل بیشتری به گوشه‌گیری اجتماعی دارند. مشارکت اجتماعی در آنها بسیار کم است. معمولاً انزوای اجتماعی در زنان معلول دیده می‌شود، آنها کمتر ازدواج می‌کنند و تنها زندگی کردن را بیشتر دوست دارند. عزت نفس پایینی دارند^۴ و با مطالعه روی آزمودنی‌ها نشان داده شد، معلولان نسبت به جمعیت عمومی از خویش‌پندیری، عزت نفس^۵ و سطح هوش هیجانی پایستری برخوردارند. همچنین در تحقیقی مشابه مشخص شد که نبود سلامتی، مشکلات جسمانی و معلولیت با علائم افسردگی، مشکلات بین شخصی و ضعف در عملکرد و روابط اجتماعی ارتباط مستقیم دارد، ۳۱ درصد کودکان و نوجوانان ۴ تا ۱۱ سال دارای معلولیت جسمی- حرکتی احساس غمگینی،

1. (International classification of) functioning and health
2. intelligence Emotional
3. skills Social
4. MacInnes- Spencer
5. efficacy Self

افسردگی و ناخشنودی ناشی از نبود بهینه هوش هیجانی را نشان داده‌اند. اما تنها در ۱۷ درصد از کودکان بدون معلولیت، احساس‌های اشاره شده دیده شد.

هوش هیجانی با بالا رفتن و بهبود بهزیستی هیجانی و افزایش سازش اجتماعی - هیجانی بر پایین آمدن میزان مشکلات بین افراد و بدنبال آن بهبود کیفیت روابط اجتماعی و کیفیت زندگی تأثیر دارد. مفهوم هوش هیجانی توسط دو رویکرد تعریف می‌شود.

اولین رویکرد، توانایی نام دارد که توسط Salovey & Mayer (۱۹۹۰) عنوان شد. این رویکرد، هوش هیجانی را به چهار سطح از توانایی هیجانی می‌شکند: ادراک حسی هیجان‌ها، تسهیل هیجانی درک، تفکر هیجان‌ها و مدیریت هیجان‌ها می‌باشد.

دومین رویکرد، رویکرد ترکیبی نام دارد و توسط On-Bar در سال ۱۹۹۷ توضیح داده شد بر اساس این رویکرد هوش هیجانی اینگونه است: مجموعه توانایی‌های غیرشناختی، توانش‌ها و مهارت‌هایی که بر توانایی رویارویی موفقیت‌آمیز با درخواست‌ها و نشانه‌های محیطی تأثیر می‌گذارند. بنابراین، بر اساس پیشینه مطرح شده هدف این پژوهش، بررسی اثربخشی آموزش مهارت‌های اجتماعی بر سطح هوش هیجانی معلولین جسمی - حرکتی بود.

۲- ادبیات تحقیق

به دلیل پیشرفت تکنولوژی، تقاضا برای بالا رفتن کیفیت زندگی بسیار بیشتر است. از اهداف و انگیزه‌های بهداشت برای همه مردم، بالا بردن کیفیت زندگی می‌باشد. کلمه کیفیت زندگی مربوط به فیلسوف معروف آلمانی به اسم ارسطو است. وی در کتاب "اخلاق نیکو ماخوس" کیفیت زندگی و مهارت اجتماعی را به عنوان زندگی ایده آل بیان می‌کند (فریدکیان ۱۳۸۰؛ نقل از میرزایی ۱۳۷۶).

مهم‌ترین هدف آدمی، کنکاش برای زندگی بهتر و پیشرفت کیفیت زندگی و مهارت ارتباطی، اجتماعی می‌باشد. انسان موجودی کمالگرا و دارای هدف است. پوچی و بی‌معنایی را نمی‌خواهد و در جستجوی اتفاقات بهتر در زندگی می‌باشد، آموزش مهارت‌های اجتماعی بر بهبود کیفیت زندگی موثر است.

شرایط اجتماعی و عکس‌العمل‌های هر انسان و همچنین روابط بین فردی به ما این نگرش را القا می‌کند که می‌توان بر اساس آن، هر فرد را در زمینه‌های مختلف درک کرد و شناخت. در راه رسیدن به مولفه‌های مرتبط و ارائه حمایت‌های مناسب، باید از آنها بهره گرفت (جلیلیان و آقابخشی ۱۳۹۸).

هیندلی (۲۰۰۵) عنوان کرد، معلولیت می‌تواند باعث تأثیر در کیفیت زندگی این افراد شود و به گوشه‌گیری اجتماعی و افسردگی تبدیل شود، طبق تحقیقات وی محاسبه شده است بالای ۴۰٪ از این افراد، مشکلات سلامت روانی را در جنبه‌های مختلف از زندگی تجربه می‌کنند.

1. emotions Perceiving
2. Emotional facilitating of thought



کیفیت زندگی به عنوان قاعده‌ای برای به دست آوردن خدمات مناسب با نقاط مختلف زندگی و اختصاص منابع، مورد بررسی قرار می‌گیرد. هر چقدر کیفیت زندگی به طور مستمر ارتقاء یابد، از مقدار آسیب‌های روانی، سرخوردگی‌ها و احساس بیگانگی از جامعه و خود، سرگشتگی، بیهودگی و نارضایتی از زندگی، بزهکاری و ناهنجاری‌های اجتماعی کم می‌شود. طبق گزارش‌های بین‌المللی علمی پایین بودن میزان ارتباط اجتماعی دلیلی بر این پیشامدها می‌باشد. این موضوع در ارتباط با معلولین اهمیتی دو چندان می‌یابد. تغییرات اجتماعی سریع و پیشرفت تکنولوژی، باعث حضور پررنگ‌تر افراد دارای معلولیت در جامعه شده است. اما افراد دارای معلولیت در ایران برای فعالیت در امور اجتماعی با مشکلاتی مواجه می‌شوند که زندگی آن‌ها را با اختلال گره می‌زند. به همین دلیل مسئله زندگی اجتماعی و آموزش آن برای افراد دارای معلولیت اهمیت یافته و مطرح می‌شود.

مهارت‌های اجتماعی جزو مهارت‌های مهم زندگی است، که هر فردی باید از آن بهره‌مند باشد. اسلوبی و گوآرا (۲۰۰۳) مهارت اجتماعی را هم معنی با سازگاری اجتماعی می‌دانند. به نظر آنها مهارت اجتماعی یعنی توانایی برقراری ارتباط متقابل با سایر افراد به ویژه در بعد اجتماعی است به طوری که در هنجارهای جامعه مورد قبول بوده و دارای ارزش باشد. گرشام و الیوت (۱۹۹۰) مهارت‌های اجتماعی را رفتارهایی می‌دانند که فرد را قادر به تعامل مؤثر و اجتناب از پاسخ‌های نامطلوب نموده و بیانگر سلامت رفتاری و اجتماعی افراد هستند. هارجی معتقد است رفتارهای اجتماعی رفتارهایی هدفمند، مرتبط با هم و هماهنگ با موقعیت، قابل یادگیری و تحت کنترل شخص است (هارجی، ۱۹۸۶). استرایر (۱۹۸۹) مهارت‌های اجتماعی را به مثابه سازگاری کودک با محیط اجتماعی و همسالان می‌انگارد. در این دیدگاه، سازگاری یعنی توانایی کودک در پیش‌بینی، درون‌سازی و واکنش به برخی نشانه‌ها در یک بافت اجتماعی. منظور از نشانه‌ها نیز، حالات هیجانی یا رفتار همسالان است.

هوش هیجانی متغیر دیگری است که در روابط بین فردی، مورد توجه قرار می‌گیرد. در سال‌های اخیر، مفهوم هوش هیجانی در کانون توجه روانشناسان قرار گرفته است (ساعتچی، ۱۳۸۲). هوش هیجانی اساساً در ارتباطات تجلی پیدا می‌کند. این ارتباطات از سویی حوزه درون فردی (ارتباط فرد با خود) و از سویی دیگر قلمرو میان فردی (ارتباط فرد با دیگران) را در برمی‌گیرد. بنابراین ما می‌توانیم از دو دسته شایستگی کلی در دو قلمرو شخصی و اجتماعی سخن بگوییم (فاطمی، ۱۳۸۵). کوپر و ساواف هوش هیجانی را بر حسب دانش اولیه هیجانی، تناسب هیجانی، عمق هیجانی و کمیابگری هیجانی تعریف کرده‌اند. مراد از دانش اولیه هیجانی دانشی است که فرد از ماهیت و کنش‌وری احساسات خود دارد. تناسب هیجانی، انعطاف‌پذیری و شدت احساسات و هیجان‌ها است. عمق هیجانی، استعدادی برای رشد و تقویت یا عمق بخشیدن به هیجان‌ها و کمیابگری هیجانی، توانایی استفاده از احساسات و هیجان‌ها برای خلاقیت است. نخستین اصل هوش هیجانی این است که بنیاد تمام یادگیری‌های اصیل و پایدار، مراقبت از روابط است (کیاروچی و همکاران، ۱۳۸۵). پژوهش‌ها نشان داده‌اند که هوش هیجانی بیش از هوشیهر، پیشگویی‌کننده

موفقیت فرد در زندگی است. افرادی که دارای کفایت هیجانی بالا هستند، مهارت‌های اجتماعی بهتر، روابط دراز مدت پایاتر و توانایی بیشتری برای حل تعارضات دارند. گرچه انسان‌ها به دلایل سرشتی و ژنتیکی در تنظیم و ابراز هیجانات متفاوت هستند، یادگیری از طریق آموزش می‌تواند موجب افزایش توانایی‌ها و مهارت افراد در هر سطحی که هستند شود (گلمن، ۱۹۹۵). هوش هیجانی به ما می‌گوید که چگونه از هوشبهر در جهت موفقیت در زندگی استفاده کنیم. هوش هیجانی به ما در جهت شناخت احساسات خود و دیگران، مهارت کافی در ایجاد روابط سالم با دیگران و حس مسئولیت‌پذیری در مقابل وظایف کمک می‌کند (بخشی سورشجانی، ۱۳۸۷).

بت لو (۲۰۰۵) با مطالعه‌ی تأثیر آموزش مهارت‌های اجتماعی بر هوش هیجانی، به این یافته دست پیدا کرد که با آموزش این مهارت‌ها می‌توان هوش هیجانی آزمودنی‌ها را افزایش داد. در یک بررسی که توسط بشارت (۱۳۸۴) انجام شده است نتایج بیانگر آن است که هوش هیجانی از طریق آسان‌سازی هیجانی، شناخت هیجانی و مدیریت هیجان‌ها و با ساز و کارهای پیش‌بینی، افزایش توان کنترل و تقویت راهبردهای رویارویی کارآمد، به فرد کمک می‌کند تا کیفیت روابط اجتماعی را بهتر سازد. نتایج پژوهش جواهری کامل (۱۳۸۵) نشان می‌دهد که بین هوش هیجانی و تمامی مؤلفه‌های آن با مهارت‌های اجتماعی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. وی هم‌چنین در پژوهش خود نشان داد که متغیرهای سبک دلستگی و هوش هیجانی روی هم ۰/۶۳ از واریانس مهارت‌های اجتماعی را پیش‌بینی می‌کنند. در همین پژوهش، یافته‌ها بیانگر این بود که بین دختران و پسران از نظر هوش هیجانی و مهارت‌های اجتماعی، تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. نتایج تحقیقات مارتینز- پونز و مه‌یر، سالووی و کاروسو نشان داد که افراد با هوش هیجانی بالا از تعامل‌ها و مهارت‌های اجتماعی مثبت‌تری برخوردارند، رابطه با دوستان و افراد خانواده را ارجح می‌نهند و در روابط بین فردی موفق‌ترند (به نقل از یوسفی، ۱۳۸۵). شواهد تحقیقاتی، به طور کلی از ارتباط مثبت و معنی‌دار هوش هیجانی با شاخص‌های مختلف سازش یافتگی اجتماعی، نظیر رفتار مناسب اجتماعی در کودکان دبستانی (روبین، ۱۹۹۹)، همدلی افراد با یکدیگر و گشودگی در برابر احساس‌ها (کیاروچی، چان، و کاپوتی، ۲۰۰۰؛ مه‌یر، کاروسو و سالووی، ۲۰۰۴؛ شات و همکاران، ۱۹۹۸)، عدم تعامل منفی با دوستان (براکت، مه‌یر و وارنر، ۲۰۰۴)، برقراری ارتباط مثبت با دیگران و رضایت از این ارتباط (لوپز، سالووی، و استراس، ۲۰۰۳)، گرم بودن و احساس همدردی با دیگران (کسنتین و گاینور، ۲۰۰۱)، پذیرش دیدگاه همدلانه و توانایی خود نظارت‌گری در موقعیت‌های اجتماعی (شات و همکاران، ۱۹۹۸) خبر می‌دهد (به نقل از همان منبع). از نظر شات و مالوف هوش هیجانی بالا با مهارت‌های اجتماعی مطلوب رابطه دارد (به نقل از افروز، ۱۳۸۱). نتایج پژوهش خلیل ارجمندی (۱۳۸۳) نیز مؤید آن است که هوش هیجانی پایین منجر به کاهش مهارت‌های اجتماعی می‌شود. نتایج مطالعه وفائیان (۱۳۸۵) نشان داده است که بین میزان نمرات مهارت‌های اجتماعی دختران و پسران تفاوت معنی‌داری وجود دارد و میانگین نمرات دختران در این متغیر بالاتر است.



بنابراین پژوهش در این مورد که نوجوانان از نظر مهارت‌های اجتماعی در چه سطحی هستند و اینکه روابط متغیرهایی چون هوش هیجانی و عزت نفس با مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان چگونه است می‌تواند اطلاعات مفیدی به خانواده‌ها، مسئولین و متخصصان تعلیم و تربیت جهت آگاهی از نحوه عملکرد خود در اجتماعی کردن دانش‌آموزان بدست دهد.

۳- مدل و فرضیه‌های تحقیق

شکل شماره ۱ مدل مفهومی تحقیق حاضر را نشان می‌دهد که در آن "آموزش ارتباط اجتماعی" به عنوان متغیر مستقل، "هوش هیجانی" به عنوان متغیر میانجی، و "بهبود کیفیت زندگی" به عنوان متغیر وابسته بکار رفته است. با توجه به مدل فوق، تحقیق حاضر قصد دارد به بررسی فرضیه‌های زیر در مرکز توانبخشی فیاض بخش مشهد بپردازد:

فرضیه شماره ۱: بین مهارت‌های اجتماعی و پیشرفت هوش هیجانی معلولین جسمی حرکتی ارتباط معنی‌داری وجود دارد.

فرضیه شماره ۲: بین آموزش مهارت‌های اجتماعی بر پیشرفت هوش هیجانی معلولین جسمی حرکتی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.



شکل ۱

۴- روش تحقیق

۴-۱- جامعه آماری و روش نمونه‌گیری

روش پژوهش نیمه‌آزمایشی (با طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه شاهد) بود. جامعه آماری شامل کلیه معلولین جسمی- حرکتی (۱۰۸ نفر) مرکز توانبخشی فیاض بخش مشهد بود. از بین آن‌ها پس از غربالگری اولیه تعداد ۳۰ نفر انتخاب شدند و با استفاده از روش تصادفی در دو گروه آزمایش و شاهد قرار گرفتند.

در ۱۵ جلسه، مهارت‌های اجتماعی به گروه آزمایش آموزش داده شد. در راستای جمع‌آوری داده‌های پژوهش از پرسشنامه مهارت‌های اجتماعی Regio و پرسشنامه هوش هیجانی Bar-On استفاده گردید. با استفاده از آزمون ANCOVA تحلیل داده‌ها انجام شد. طبق جدول شماره ۱- ضرایب بنیادی استاندارد شده خرده مقیاس‌های هوش هیجانی و مهارت اجتماعی طبق سازمان بین‌المللی ارائه شد.

جدول ۱. ضرایب بنیادی استاندارد شده خرده مقیاس‌های هوش هیجانی و مهارت اجتماعی

Variables		Standardized Correlation Coefficient			
Independent	Components	Dimension 1	Dimension 2	Dimension 3	Dimension 4
Emotional intelligence	Appraisal and expression of emotion	-139.0	-284.0	-072.0	321.1
	Regulation of emotion	-316.0	536.0	-136.0	-265.0
	Utilization of emotion	008.0	339.0	-338.0	-440.0
Social skills	Emotional expressivity	-001.0	-062.0	-249.0	-126.0
	Emotional sensitivity	-115.0	478.0	018.0	-245.0
	Emotional control	020.0	020.0	-086.0	327.0
	Social sensitivity	-236.0	-776.0	524.0	293.0
	Social Sensitivity	238.0	-205.0	-478.0	-156.0
	Social control	-443.0	-215.0	679.0	-698.0

در جدول ۱ نشان می‌دهد که در بعد اول، خرده مقیاس روابط مثبت با دیگران تأثیر معناداری داشته است. در بعد دوم، معنویت و خودمختاری تأثیرات بیشتری داشت. در بعد سوم، شادکامی تأثیر تعیین‌کننده‌تری داشت. و در نهایت در بعد ۴ شادی، رضایت از زندگی، خودمختاری و رشد فردی تعیین‌کننده بودند. بعد اول نشان می‌دهد که ترکیبی از تنظیم عاطفی، کنترل اجتماعی و حساسیت اجتماعی منجر به روابط کمتر مثبت با دیگران می‌شود. بعد دوم نشان می‌دهد که ترکیبی از تنظیم هیجانی و بیان اجتماعی کمتر با حساسیت عاطفی بیشتر منجر به واکنش مثبت کمتری می‌شود.

۲-۴- ابزار

در این تحقیق برای جمع‌آوری داده‌های لازم از پرسشنامه جهت جمع‌آوری داده‌های پژوهش از پرسش‌نامه مهارت‌های اجتماعی Regio و پرسشنامه هوش هیجانی Bar-On استفاده گردید. تحلیل داده‌های پژوهش با استفاده از آزمون ANCOVA چند متغیری انجام شد.

۳-۴- روایی (سازه و محتوا)

در محاسبه روایی از روش «تحلیل عامل تأییدی» و همچنین تخمین پایایی (اعتبار) از آلفای کرونباخ استفاده شده است. یکی از شاخص‌های برازش یعنی «مجذور خی نسبی» ۱/۹۶ است و شاخص نابرازش آن



یعنی «ریشه مجذور میانگین خطای برآورد» برابر با ۰۴٪ و با ۹۰ درصد اطمینان در همین حد خواهد بود. بنابر این، این پرسشنامه با نمونه تحقیق حاضر تطبیق می‌کند؛ یعنی پرسشنامه مورد بحث از روایی سازه برخوردار است. ضمناً آلفای کرونباخ آن ۰۹۴۲٪ است. بنابراین، می‌توان پایایی آن را تأیید نمود.

۵- یافته‌های تحقیق

در این پژوهش برای گروه آزمایش، آموزش مهارت‌های روابط اجتماعی بر گرفته از دوره آموزشی سیدآبادی (۱۳۸۹) به نقل از محمودی و همکاران (۱۳۹۲) به کار گرفته شد. این دوره بر طبق مهارت‌های ده گانه زندگی سازمان جهانی بهداشت (مهارت‌های تصمیم‌گیری، حل مسئله، تفکر خلاق، تفکر نقادانه، ارتباط موثر، روابط بین فردی، خودآگاهی، همدلی، مدیریت هیجان و کنترل استرس) آموزش داده شد. تدریس دوره توسط مدرس دانشگاه که دارای مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد مددکاری اجتماعی و همچنین دارای سابقه اجرای برنامه‌های مداخله‌ای مددکاری اجتماعی به صورت کارگاه‌های آموزش خانواده و مشاوره خانواده و مددکاری اجتماعی است، انجام شد. داده‌های جمع‌آوری شده از پرسشنامه‌ها بعد از ورود به نرم‌افزار SPSS مورد تحلیل قرار گرفت. در این پژوهش بعد از بررسی آمار توصیفی و توزیع متغیرهای جمعیت‌شناسی با کمک آزمون کولموگروف اسمیرنوف (H_0) نرمال بودن داده‌ها بررسی می‌شود و از روش همبستگی و آزمون‌های مربوط به آمار استنباطی برای آزمون فرضیات متناسب با هر پرسشنامه برای تحلیل داده‌ها استفاده می‌شود. بر اساس نتایج حاصل از اجرای آزمون کوواریانس با کنترل نمره پیش‌آزمون، بین میانگین نمرات کیفیت زندگی در گروه آزمایش و کنترل در سطح اطمینان ۹۹ درصد تفاوت معناداری وجود دارد ($p < 0/01$) بنابراین می‌توان گفت میزان رشد ارتباط اجتماعی بر هوش هیجانی در افرادی که آموزش را دریافت کردند در قبل و بعد آزمون تفاوت معناداری دارد.

۶- بحث و نتیجه‌گیری

این تحقیق به منظور بررسی میزان تاثیر مهارت‌های اجتماعی بر پیشرفت هوش هیجانی معلولین جسمی حرکتی صورت گرفته است. در مطالعات پیشین به بررسی هر یک از متغیرهای فوق با دیگر متغیرها پرداخته شده است، ولی وجود مشکلاتی در رابطه با چگونگی روابط این متغیرها، باعث انجام این تحقیق شد.

مهارت‌های ارتباطی زندگی باعث شناخت بهتر افراد شرکت‌کننده گردید و اثربخشی آن نیز تبیین شد. با آموزش مهارت‌های ارتباطی موثر و بین فردی، نحوه چگونگی ارتباط و مذاکره و حل تعارضات، همچنین آموزش مهارت خودآگاهی برای شناخت بهتر خود و نیازها و تمایلات هر شخص آنها را قادر ساخت تا در جهت ارتباط با سایرین راه‌های بهتر را فرا بگیرند. در نهایت نتایج این پژوهش با رویکرد توسعه انسانی سازمان ملل همسو است.

فهرست منابع و مآخذ

- فارسیجانی، حسن؛ فیضی، کامران؛ شفیعی نیک آبادی محسن. (۱۳۹۰). تأثیر نیروهای رقابتی سازمان بر کاربرد دانش جهت بهبود عملکرد زنجیره تأمین در صنعت خودرو. چشم انداز مدیریت بازرگانی، شماره ۶، پیاپی ۳۹، ص ۷۱-۹۲.
- شفیعی نیک آبادی، محسن؛ فیضی، کامران؛ الفت، لعیا؛ تقوی فرد، محمدتقی. (۱۳۹۰). ساختاری چند بعدی جهت تبیین اثر فرهنگ سازمانی و فرهنگ زنجیره تأمین بر انتقال، اشتراک و توزیع دانش در زنجیره تأمین صنعت خودروسازی ایران: با تأکید بر بهبود عملکرد زنجیره تأمین. فصلنامه علمی پژوهشی پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران، زودآیند.
- رایبیز، استیفن. مبانی رفتار سازمانی. (۱۳۸۸). ترجمه امیدواران، کامیار و همکاران، چاپ سوم، انتشارات مهربان نشر، صفحه‌ی ۲۸۲.

___ Armstrong, M. (2006). A Handbook of Human Resource Management Practice: 10 th edition. IKOGAN publication .

___ Campell, J. P. (1990). Modeling the performance prediction problem in industrial and organizational psychology. In M. D. Dunnette & L. M. Hough (Eds.), Handbook of industrial and organizational psychology (pp. 687-732). Palo Alto, CA: Consulting Psychologists Press, Inc .

___ Campbell, J. P. , McHenry, J. J. , & Wise, L. L. (1990). Modeling job performance in a population of jobs. Personnel Psychology, 43, 313-333 .

___ Campell, J. P. , McCloy, R. A. , Oppler, S. H. , & Sager, C. E. (1993). A theory of performance: In N. Schmitt & W. C. Borman (Eds.), Personnel Selection in organizations (pp. 35-70). San Francisco: Jossey Bass.

___ Boxall, P. , Purcell, J. and Wright, P. (2007). The oxford handbook of human resource management. Oxford university press .

___ Boxall, P. , & Purcell, J. (2003). Strategy and Human Resource Management. New York: Palgrave Macmillan .

___ Gratton, L. , Hailey, V. H. , and Truss, C. (2000). Strategic Human Resource Management. New York: Oxford University Press .

___ Guest, D. E. (1987) Human resource management and industrial relations, Journal of Management Studies, 14 (5), pp 503-521 .

___ Herzberg, F. (1968). One more time: how do you motivate employees? Harvard Business Review, January-February, pp 109-120 .

___ Kochan, T. A. & Dyer, L. (1993) Managing transformational change: the role of human resource professionals, International Journal of Human Resource Management, 4 (3), pp 569-590 .



___ Krejcie, R. V. & Morgan, D. W. (1970). Determining sample size for research activities, *Educational and Psychological Measurement*, 30, 607-610 .

___ Murphy, K. R. (1989). Dimensions of job performance. In R. F. Dillon and J. W. Pellegrino (Eds.) *Testing: Theoretical and Applied Perspectives* (pp. 218-247). New York: Praeger .



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی